

در حاشیه رویدادها

در آغاز سومین ماه جنگ:

روحانیان به موضع تدافعی میروند

شده بود و حجت الاسلام محمد یزدی، نماینده‌ی قم در مجلس، به چندین هزار نفری که به راهپیمایان پیوسته بودند اشاره کرد. همین شخصی، گروهی را با شتاب تمام از قم به تهران آورد تا برای چند صدمین بار با امام امت بیعت کنند. آیت‌الله خمینی که در دیدار یک روز پیش از آن با فارغ‌التحصیلان دانشکده الهی شمشیر را برای مخالفان روحانیت از رو بسته بود، اینبار احتمال وجود چند روحانی فاسد را رد نکرد.

اما تمایل آشکار آیت‌الله خمینی به بیعت عادلانه میان جناح‌های شریک در حکومت کهنه تا زکی ندارد تنها بخشی از کل جریان بود، بر رهنمودهای او در سخنرانی اش خطاب به افسران نامی جز سیاست‌زفایی توده‌ای نمیتوان نهاد. در حالیکه تا همین اواخر همسبدهی فریبدها باید به سر "شیطان بزرگ" کشیده میشد، اینبار به امت اسلامی اعطای شد که عاشورا، عاشورا است و جای سیاست پراکنشی نیست. البته اینهم کاملاً تا زکی نداشت؛ در سالهای گذشته نیز آیت‌الله خمینی در آغاز ماههای رمضان و محرم یادآوری کرده بود که "این گریه‌ها و زوغه‌ها هزار و سیصدسال است که ما را حفظ کرده است." اما هیچگاه تا این حد سهم مسایل سیاسی و ظواهرات سیاسی را در مراسم مذهبی بغیث نداده بود. موج یا زگفت تمام و کمال به سوگواری و عزاداری چنان بالا گرفت که دفتر امام ناچار شد توصیه‌ی آیت‌الله خمینی را به متقاضیان خودداری ابلاغ کند که "بهرتر" است فعلاً با دست و زنجیر بر سر سینه بکوبند و از بکار بردن قمه برای شرحه شرحه کردن فرق بر خودداری شود.

میتوان گفت خط و نشانهایی که آیت‌الله خمینی برای متغلمان از سنت عزاداری معضی و ارتکاب سیاست پراکنشی در روزهای سوگواری کشید بی سابقه است. تناقض و تضاد فلسفی و عملی چنین دستوری با دیگر حرفهای او و شرایط سیاسی جامعه به عیان هویداست. در حالیکه برخی روحانیان، از جمله خود او، دین را عین سیاست میدانند، تلاشی میشود تا چنین نظراتی

چند روز پیش از ایام سوگواری ماه محرم بار دیگر فریاد "وا اسلاما"ی روحانیان قدرت‌مند برخاست و سبیل هتادار و برهمنساز از "توطئه‌های مد ساله‌ی استعمار برای کویبیدن روحانیت" از هر سو جاری شد. اما در قیاس با موقعیتهای مشابهی دو سال گذشته، که روحانیان از آنها برای کسب قدرت و فتح مواضع سیاسی بهره‌برداری کرده‌اند، هیاهوی دفاع از "مقام شایخ" روحانیت به قصد هدفتی زیادجا طلبانه برای نیفتاد. در مجموع میتوان گفت که همگی تلاشی روحانیان صدر قدرت برای تثبیت مواضع به دست آمده و دفاع اساسی از این "سنگ تکیه" رفت. به بیان دیگر، هشدارها، اخطارها، تهدیدها و استمالتهای یکی دو هفته‌ی گذشته روحانیان نه برای حمله و به قصد پیروزیهای سیاسی تازه، بلکه عمدتاً صرف دفاع و خنثی کردن حملات حریفان شد.

تا پستان سال گذشته آیت‌الله بهشتی در پاسخ ورد اظهار نظر حسن نزبه، که اسلامی کردن یک شبهه‌ی همه‌ی قوانین مملکت، به اعتقاد او، نه مفید، نه ممکن و نه مقدور است چنان نمره‌ای از جگر کشید که تهاجم همه‌ی جانبسدهی روحانیان نزبه را از دستگاه حکومت و از مرزهای کشور، به بیرون پرتاب کرد. اما آیت‌الله بهشتی اصلاً با زبان خوش شویب می‌دهد که اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی کاری نیست که یک شبه ممکن باشد و در جای دیگر عذر می‌آورد که برای راه انداختن دستگاه قضایی اسلامی به تعداد کافی قاضی وجود ندارد و آقایان روحانیان واجد شرایط از فرط "تلقوی برعزیز" تن به قبول مناصب قضایی نمیدهند.

نظراتی که در اعتراض به بازداشت طلب‌زاده در تهران و قم به راه افتاد، بیسودی فراتر از موضوع ظاهراً اصلی بیباقت و کار به صدور قطعنامه‌های تند و تیز کشید. گسسم و کلیف ما چرا در رسانه‌های شدت‌ناشور شمسدهی داخلی منعکس نشد اما واکنش آیت‌الله خمینی و دیگر روحانیان برده از ما چرا برداشتست؛ در قطعنامه‌ی ۷-۱۷ ماده‌ای تظا هرکنندگان قسم، کتا ره‌گیری روحانیان از مقامات حکومت خواسته

از هر محتوای سیاسی یکسره نپس باشد. از سوی دیگر، در شرایطی که کشش و گریزهای سیاسی داخلی و خارجی با زبان‌های تازه در افکار عمومی می‌یابد، کشاندن انبوه مردم به سینه زنی و سقوط در برابر درگیریهای سیاسی گوناگون کاری در حد فرودنشاندن ناگهانی سیاسی توپان با سر انگشت معجزه آیت. در برنامه‌های مزاداری توسعه شده از سوی آیت‌الله خمینی حتی برای لغت به بزید زمان، مقام خمینی شکریتی، هم جایی در نظر گرفته شد.

اما واقتیبات زندگی سیاسی جامعه ماضع از اجابت فرمان امام امتند. در سخنرانی روز قاهورا در میان آزادی، بنی صدر تندتند از همیشه به رقبان شریک حکومت ناخت و پسر آسیب بدبوشین نقاطان انگشت گذاشتند. آزادیهای سوکراتیک، حقوقی مردم، فاسادون اساسی و شکنجه و زندانهای گوناگون و بی‌حساب و کتاب.

بررسی این که بنی صدر چه میخواهند و ردیف کردن احتمالات و بقیین ها در حکومت او. اگر متارمه بر سر قدرت به تثبیت بینجامد. نیاز به بعضی مستقل دارد. اما روشن است که هیچ یک از اعتراضهای بنی صدر بسترای او شمهدی مشخص و جدی بهمراه ندارد. هر جا کسی میتواند ادعا کند که تا سر حد فاشسیون و امکانات جامعه به مردم آزادی داده و یک قدم آن طرفتر پرتگاه خفته و هرچ و موج و سقوط است. همچنان که عجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی ایران را "آزادترین کشور دنیاست" میدانند چون، از نظر او، سر هر چهار راهی هر کس هر نشویدای را که بخواهد عرضه میکنند. در حال حاضر، رئیس جمهور با تکیه بر یکسره و بنشد و بستن دهان مخالفان از وجه اشتراک خواستهای مردم بهره برداری میکنند. بی آنکه جانی از "بخت آزاد"، او را متعهد نمید رسدن به فدایی خا می کنند. از همین رویت که بنی صدر، از نوشته‌ها و گفته‌هایش پس از پیروزی در انتخابات به تکرارهای گاهن بهره‌ی با تکیه از کنار مسائل بر طول و تفصیل آتش‌سازای میگردد. چرا که هر اظهار نظری در زمینه‌های اقتصاد لاجرم مخالفشایی بهمراه می‌آورد.



در ریشه‌یابی علل ناراضایی عینی مردم از شرایط کشوری، در کنار باس و سردرگمی در برابر عدم تعادلی میان ادماها و توانایی رژیم تازه، میتوان به بی برنامه‌گی تقریباً کامل دولت اشاره کرد. از آغازدهی مجلس شورای اسلامی، "عماردی فضیلت ملت" و آفرینش قدم در راه رسیدن به "عدل ملی" سه تنه‌سای عیج معجزی صادر نشد بلکه چله‌های مخفسی و عینی تصمیم گیری درباره‌ی گروگانها تردیدهای باقی نگذاشت که این همه جنجال قیام و شعود چیزی بیش از زدن شهر لاسنگی بر تصمیمات از پیش ساخته و پروا نداشت. در همسایان چله‌ی تاریخی و توهم زدای، حتی حجت الاسلام خا منهای که مانند عهد نشا بنددی دیگران با زکشت به شرایط عادی پیش از ۲۲ آبان ۵۸

از سوی رئیس مجلس مشیم شد که سسازده از راه رسیدن و شر "جریان" نیست. کابینه‌ی بنده‌علی رجایی، که شخص اوفادت هر جاذبه برای نوهدی مردم بنظر میرسد، توانایی برداختن به چیزی جز گذران روزمره‌ی امور کشور ندارد. در شهر هم، تا کسیرانسان متعرض به گران شدن بنزین و کاهش کوبین سهمیه شمار دادند که "زنده و جاویدباد نسین و عین - مرگ بر بزرگ قانون شکن". انگسیر مخاطب این شعار طاهرا شهید و مورثالستی برای هیات دولت روشن نباشد. اما، در حال، تا تبدیل آن به "مرگ بر رجایی" راه چندان نیست. گفته میشود که در تظاهرات مشابه تا کسیرانان شیراز دست کم یک راننده کشته شده است و هیچک از این اعتراضها و برخوردها رشا نهی ظلمیدی فرخنده‌ی دولت مکتبی رجایی نیست و روش است که کارنامه‌ی دولست او در ارزیابی مردم از کل رژیم اسلامی و حکومت به کار گرفته میشود.

با و پوزکنند مردمی که کفشهایش را غدای راهپیمایی به لاشی جانی کرده بود تا شعار حیایت از نگاهداشتن گروگانها تنها سرنگونی کامل "استکبار جهانی" را بدهند. شتا بزده‌گی ناشیانه در تصویب تراپت ایسران آشم ۲۶ ساعت پیش از رای گیری برای انتخاب دوباره‌ی "گارش هاشم" بی اطلاعی و ناشناسی نخست وزیر یا منبری حزب واحد و اظهار نظره‌ای اقتصادی بی اساس و جهت گیری ضد و نقیض او در سیاست خارجی، حمله‌های رویزونی جنساج "لیبرال" شریک حکومت به رقبان معمم، مظلوم سماپی رئیس جمهوری "منتخب مردم" که ارزش "علم و "بخت آزاد" و "تخصی" را تبلیغ میکنند و بالاتر از همه‌ی اینها آینه‌سازدهی هراس آور طولانی شدن جنگ و بحران اقتصادی که روز به روز عمیقتر میشود. روحانیان فدرتمند را بموضع دفاعی کشانده است. روحانیان که تا یک ماه پس از آغاز جنگ عراق با ایران مدتی رهبری مقاومت بردمی و طرفدار طولانی شدن جنگ بودند. در زیر فشار افکار عمومی ناچار به دفاع و مقابله‌سسته دست زدند تا جایی که امام جمعه‌ی تهران در خطبه‌اش گفت که روحانیان مانند همه‌ی مردم در همه چیز اظهار نظر میکنند. اما "دخالت به هیچوجه

تظاهرات بازار تهران و قم به آیت‌الله خمینی با آوری کرد که حمایت موضعی بمندای نامهی فدایت شوم نیست و جایی برای گتمان اختلافها و نیز اتهاماتی که متوجه روحانیان فدرتمند میشود باقی نگذاشت. آیت‌الله بهشتی در سخنرانی‌اش در مسجد بازار، موضع دفاعی از "حکومت الهی" را رها کرد تا بسته توضیح "خواست مردم" در ارجاع مسئولیت‌ها به روحانیان بپردازد. در واقع، تقویبی قدرت از سوی مردم را بزرگ کرد بی آنکه بدفعای بر سخنانهای از و دیده‌ی الهی صلاحیت حکومت فقها متوسل شود. خود او که تا یکسره شهربور در با سخگویی تلویزیونی‌اش به سخنرانی

همان روز یعنی صدر، مقام ریاست جمهوری را به هیچ شؤزل داده بود، روز تاسوعا در دانشگاه تهران با لحنی مسالمت جویمانه بیضا بیضا پیسی از قانون اساسی جمهوری اسلامی را بندیدند و سرده سرده دیکنه وار گفت و گو شد برای شنوندگانش تردیدی باقی نگذاشته که قانون اساسی وظیفه‌ی خرد و کلان و سیر تا پیماز را روشن کرده و کمترین دلیل برای برخاستن مقامات مملکت وجود ندارد. در ایستادن و سخنرانی، آیت‌الله بهشتی که از مبارزه طلبیه‌ها پیشین فاصله گرفته بود، دخالت روحانیان در امور سیاسی و ناشی از قانون اساسی و فارغ از جاه طلبی و منعی قلمداد کرد. البته فراموش نکرد تا هشدار بدهد که روحانیان کنار رفتنی نیستند و هر کس نمیتواند شرکت و نظارت آنها را در حکومت تحمل کند، بهتر است کنار برود و جای خود را به کسی بدهد که حاضر است این نظارت را بپذیرد.



ج جنگ، با همه‌ی معائب و ریوانسی‌اش، پخته‌ی آزمایش و عامل دگرگون کننده‌ی مهمی است. رویای خوش‌هر چه طولانی تر گسردن جنگ، در فلان برناج‌های اساسی بسسرای میلیونها جنگ زنده‌ی آواره، صمدل بسسه گابور شده است. دلاوران بکه‌تاز و تندخوی دو شاه پیش صحنه‌ی سیاست، اکنون بزرگسوار و متواضع و درد آشنا شده‌اند و قانون شکنان تاستان، با رسیدن زمستان سیاه فقر و ناراضی به سنگر گرم و نرم قانون اساسی پناه میبرند.

آیا موضع تدافعی روحانیان صاحب قدرت، مقدمه‌ی عقب نشینی ناگزیرشان در برابر جناح دیگر شرکای حکومت است؟ در حالی که در ابتدای یک تحول تازه پیش میرویم، نتیجه‌گیری از آن ممکن نیست. اما شاید فراموش کرد که روش "همه با هیچ" روحانیان، عامل تشدید برخوردها خواهد شد. یادداشت قطب زاده، بی آنکه کمترین توفیقی برای باشد سران حزب واحد به بار آورد اختلافات و مخالفتها را تا حد نظامی خیابانی علنی کرد و حمله‌ی حزب الله به دفتر روزنامه‌ی "میزان" بی تردید بسسرت شد برخوردهای دو جناح میافزاید. بنا براین روحانیان قدرتمند در هر حرکتی برای تنها جسم با حتی به قصد تشبیه مواضع کنونی، کشمکشها را دامن میزنند و در برابر خود، انبساط مردم عبقلاً ناراضی و پیشروی جناح "لیبرال" را خواهند دید که از هر تشنج و عقب نشینی آنها دلگرم‌تر میشوند.